

انتقال بین نسلی اجتماعی کردن هیجان در پدران: نقش تعدیل کننده دلبستگی به همسر

فاطمه‌السادات مدنی^۱ ID، پریموسادات سیدموسوی^۲ ID*

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی - خانواده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه بهداشت خانواده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: پریموسادات سیدموسوی، گروه بهداشت خانواده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: p_mousavi@sbu.ac.i

تاریخ پذیرش: شهریور ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: مرداد ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: نحوه واکنش والدین به هیجانات کودک، نقش مهمی در تحول هیجانی کودک دارد و در تعاملات هیجانی بعدی او با افراد مهم زندگی، تأثیرگذار است. هدف این پژوهش تعیین انتقال بین نسلی اجتماعی کردن هیجان در پدران دارای کودک دبستانی و نیز تعیین نقش تعدیل کننده دلبستگی به همسر در رابطه میان ادراک اجتماعی کردن هیجان از سوی پدر و مادر با اجتماعی کردن هیجان فرزند بود.

روش و مواد: این پژوهش، مطالعه‌ای توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری آن شامل تمام پدران دارای کودک دبستانی ساکن شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بودند. تعداد نمونه ۲۰۶ نفر بود که بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از سه منطقه تهران به شیوه در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مقیاس سازگاری با هیجان‌های منفی کودکان، نسخه اصلاح شده مقیاس اجتماعی کردن هیجان و پرسشنامه تجارب در روابط نزدیک جمع‌آوری و با نرم‌افزار آماری SPSS-24 و به روش همبستگی و رگرسیون سلسله مراتبی تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین (انحراف معیار) سن پدران شرکت‌کننده (۵/۲) (۴۳/۱) بود. با افزایش میانگین (انحراف معیار) نمرات ادراک واکنش حمایت‌گرانه پدر (۱/۲) (۴/۳) و مادر (۱) (۴/۵)، میانگین (انحراف معیار) نمرات واکنش حمایت‌گرانه به (۰/۸) (۴/۹) افزایش یافت ($P < 0/01$). همچنین با افزایش میانگین (انحراف معیار) نمرات ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه پدر (۰/۸) (۳/۴) و مادر (۰/۸) (۳/۵)، میانگین (انحراف معیار) نمرات واکنش غیرحمایت‌گرانه به فرزند (۰/۷) (۳/۱) در پدران افزایش یافت ($P < 0/01$). دلبستگی اضطرابی و اجتنابی به همسر در رابطه بین ادراک اجتماعی کردن هیجان از سوی والدین (نسل اول) با اجتماعی کردن هیجان فرزند (نسل سوم) نقش تعدیل‌کننده نداشت.

نتیجه‌گیری: مطالعه نشان داد ادراک واکنش حمایت‌گرانه والدین در پدران با افزایش واکنش حمایت‌گرانه به هیجانات منفی فرزند و ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه والدین در پدران با افزایش واکنش غیرحمایت‌گرانه به فرزند همراه بود. همچنین دلبستگی اضطرابی و اجتنابی به همسر در رابطه میان ادراک اجتماعی کردن هیجان از سوی والدین و اجتماعی کردن هیجان فرزند در پدران نقش تعدیل‌کننده نداشت.

واژگان کلیدی: اجتماعی کردن هیجان، انتقال بین نسلی، پدران، دلبستگی به همسر.

مقدمه

هیجان‌ها مؤلفه مهمی در زندگی و بقای انسان‌ها از کودکی تا بزرگسالی هستند (۱). یکی از عوامل مؤثر بر تحول هیجانی کودک، که چگونگی تجربه و ابراز هیجان‌ها را به او می‌آموزد (۲) و عواقب و پیامدهای بلند مدتی بر زندگی و تحول او تا بزرگسالی برجا می‌گذارد، اجتماعی کردن هیجان از سوی والدین می‌باشد (۳ و ۴). اجتماعی کردن هیجان عبارت است از نحوه پاسخ و واکنش والدین در برابر هیجان‌ها (۲) که می‌تواند حمایت‌گرانه یا غیرحمایت‌گرانه باشد (۵). شواهد پژوهشی نشان می‌دهد نحوه اجتماعی کردن هیجان فرزند، با علائم افسردگی فرزند (۶)، توانایی او در تنظیم هیجانی (۶) و (۷)، اضطراب کودک (۸)، مشکل در عملکرد روانی-اجتماعی (۹)، مشکلات رفتاری (۱۰) و سازگاری هیجانی (۶) رابطه دارد. عوامل مختلفی بر اجتماعی کردن هیجان تأثیرگذارند. یکی از این عوامل، تجارب اولیه والد در کودکی و در ارتباط با والدین خود است (۴). همان‌طور که Bowlby (۱۱) معتقد بود والدین معمولاً محیط و مدل‌های کاری درونی که در ارتباط با والدین خود در کودکی تجربه کرده‌اند را در روابط خود با فرزندشان بازآفرینی می‌کنند. در واقع شواهد پژوهشی نشان دهنده یک انتقال بین نسلی در زمینه والدگری می‌باشد، به این معنا که والدین در ارتباط با فرزندانشان از شیوه‌ها و راهبردهایی مشابه آنچه در دوران کودکی‌شان از والدین خود ادراک کرده‌اند، استفاده می‌کنند (۱۲). اگرچه تاکنون در زمینه انتقال بین نسلی اجتماعی کردن هیجان پژوهشی صورت نگرفته ولی از آن‌جا که اجتماعی کردن هیجان فرزند، تحت تأثیر مؤلفه‌های هیجانی و روانشناختی والد قرار دارد (۱۳) و این مؤلفه‌های هیجانی نیز تحت تأثیر ادراک اجتماعی کردن هیجان از سوی والدین قرار دارد (۱۴)، به نظر می‌رسد در بزرگسالان اجتماعی کردن هیجان فرزند، تحت تأثیر ادراک اجتماعی کردن هیجان از سوی والدین قرار دارد. جنسیت والد، دیگر عامل مؤثر بر اجتماعی کردن هیجان است. در واقع، پدران و مادران به شیوه‌های متفاوتی به هیجان‌ها فرزندانشان پاسخ می‌دهند (۲). مثلاً مادران بیشتر از پدران به صورت مستقیم درگیر اجتماعی کردن هیجان می‌شوند (۲) و ابراز هیجانی بیشتری دارند (۱۵). در مقابل پدران بیشتر از مادران به هنجارهای جنسیتی و فرهنگی پایبندند (۲)، تمایل بیشتری به نادیده گرفتن ابراز هیجان‌ها فرزند خود داشته و بیشتر از مادران به صورت تنبیهی به هیجان‌ها فرزندانشان پاسخ می‌دهند (۱۵). از سوی دیگر رابطه با همسر و دلبستگی به او نیز بر اجتماعی کردن هیجان فرزند تأثیرگذار است (۱۶) و در این میان آشفتگی زناشویی، والدگری پدران را بیش از مادران تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب نظارت ضعیف‌تر پدران می‌شود (۱۷). با این وجود، شواهد کمی در خصوص نقش دلبستگی به همسر در شیوه‌های پاسخ‌دهی هیجانی پدران وجود دارد. از آن‌جا که پژوهش‌های بین فرهنگی بیانگر وجود تفاوت در زمینه رفتار هیجانی ایده‌آل و مناسب در هر فرهنگ و بنابراین شیوه‌های متفاوت پاسخ‌دهی والدین به هیجان‌ها، در جوامع مختلف است (۱۸)، تعمیم نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در سایر جوامع، به جامعه ایران با محدودیت مواجه است.

با توجه به اهمیت شیوه‌های پاسخ‌دهی والدین به هیجان‌ها کودک بر سلامت روان او و تمرکز بیشتر مطالعات پیشین بر نقش مادر در این زمینه، انجام پژوهش به منظور تعیین عوامل پیش‌بینی‌کننده تعاملات هیجانی پدر-کودک، ضروری به نظر می‌رسد. چرا که امروزه با تغییر ساختار سنتی خانواده، پدران بیش از پیش در تربیت فرزندانشان مشارکت داشته و از نظر عاطفی بیشتر با فرزندانشان خود تعامل دارند. بنابراین هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه اجتماعی کردن هیجان از سوی والدین (نسل اول) با اجتماعی کردن هیجان فرزند (نسل سوم) و یا انتقال بین نسلی این سازه با توجه به نقش تعدیل‌کننده دلبستگی به همسر در این رابطه، در پدران (نسل دوم) بود.

روش و مواد

این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری آن تمام پدران دارای کودک دبستانی (۷ تا ۱۲ سال) ساکن شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بود و داده‌ها در اردیبهشت ۱۳۹۸ جمع‌آوری شدند. تعداد نمونه بر اساس ارزیابی ۲۵ مورد به ازای هر متغیر تعیین گشت و از آن‌جا که این پژوهش هشت متغیر داشت، تعداد نمونه ۲۰۰ مورد در نظر گرفته شد. برای نمونه‌گیری، به منظور این که از سه طبقه اقتصادی-اجتماعی مختلف تهران افرادی در نمونه حضور داشته‌باشند، ابتدا تهران به سه قسمت شمال، مرکز و جنوب تقسیم گشت. سپس از هر قسمت یک منطقه به صورت در دسترس انتخاب شد

که شامل مناطق ۱، ۷ و ۱۵ بود. از هر منطقه نیز یک یا دو مدرسه ابتدایی به صورت در دسترس انتخاب شده و پس از کسب مجوز از اداره آموزش و پرورش، حدود ۴۰۰ پرسشنامه از طریق دانش‌آموزان این مدارس میان پدرانشان توزیع گردید که ۲۸۵ پرسشنامه بازگردانده شد و در نهایت با در نظر گرفتن ملاک های ورود و خروج و حذف داده های پرت، ۲۰۶ پرسشنامه به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ملاک های ورود پدران شرکت کننده در این پژوهش، داشتن فرزند دبستانی، مدرک تحصیلی ابتدایی به بالا و تمایل برای شرکت در پژوهش و معیار خروج نیز شامل عدم پاسخ دهی به حداقل ده درصد از سوالات بود. ملاحظات اخلاقی پژوهش شامل موارد زیر بود: پیش از پر کردن پرسشنامه، توضیحات صادقانه و شفاف در مورد پژوهش به صورت مکتوب ارائه شده و افراد در صورت تمایل در پژوهش شرکت کردند. به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که تمام اطلاعات محرمانه بوده و برای امور پژوهشی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی افراد ثبت نشد و آن‌ها به طور ناشناس در پژوهش شرکت کردند. مقیاس سازگاری با هیجان های منفی کودکان: این ابزار توسط Fabes, Eisenberg & Bernzweig در سال ۱۹۹۰، با هدف ارزیابی واکنش‌های والدین به هیجانات منفی فرزندانشان در موقعیت‌های پریشان کننده، ساخته شد و در این پژوهش به منظور سنجش شیوه اجتماعی کردن هیجان فرزند استفاده گشت. در این پرسشنامه ۱۲ موقعیت به والدین ارائه می شود که در این موقعیت ها فرزند آن ها هیجانات منفی را تجربه می کند. سپس از والدین خواسته می شود در مورد هر موقعیت، میزان احتمال شش پاسخ رفتاری خود به هیجانات منفی فرزند را در یک طیف لیکرت از ۱ (به احتمال خیلی کم) تا ۷ (به احتمال خیلی زیاد) مشخص کنند. این ابزار دارای دو زیرمقیاس کلی واکنش حمایت‌گرانه (شامل زیرمقیاس‌های تشویق ابراز، واکنش متمرکز بر هیجان و واکنش متمرکز بر مسئله) و واکنش غیرحمایت‌گرانه (شامل زیرمقیاس‌های واکنش تنبیهی، واکنش کم‌ارزش کردن و واکنش پریشان) می باشد. برای نمره گذاری پس از اصلاح نمرات معکوس، میانگین نمرات آیتم های مربوط به هر زیرمقیاس محاسبه می شود و بنابراین دامنه نمرات در هر زیرمقیاس از ۱ تا ۷ می باشد. ضریب آلفا کرونباخ برای زیرمقیاس‌های واکنش پریشان ۰/۷۰، واکنش تنبیهی ۰/۶۹، واکنش کم‌ارزش کردن ۰/۷۸، تشویق ابراز ۰/۸۵، واکنش متمرکز بر هیجان ۰/۸۰ و واکنش متمرکز بر مسئله ۰/۷۸ به دست آمد و روایی سازه از طریق بررسی رابطه متقابل زیرمقیاس های این ابزار با زیرمقیاس های شاخص واکنش پذیری بین فردی، مقیاس کنترل والدی، مقیاس گرایش والد به ابراز کودکان و زیرمقیاس خشم آزمون عاطفه والد، مطلوب گزارش شد (۱۹). در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس های واکنش پریشان ۰/۶۲، واکنش تنبیهی ۰/۷۷، واکنش کم ارزش کردن ۰/۷۷، تشویق ابراز ۰/۷۵، واکنش متمرکز بر هیجان ۰/۸۲ و واکنش متمرکز بر مسئله ۰/۷۷ محاسبه گردید. مقیاس اجتماعی کردن هیجان (نسخه اصلاح شده): این ابزار که توسط Krause, Mendelson & Lynch در سال ۲۰۰۳ به منظور سنجش ادراک فرد بزرگسال از واکنش‌های والدین خود به عواطف منفی او در دوران کودکی، از مقیاس سازگاری با هیجان‌های منفی کودکان Fabes و همکاران اقتباس شد، مانند آن مقیاس، دارای ۱۲ موقعیت است، با این تفاوت که در این مقیاس از شرکت‌کننده خواسته می‌شود بر اساس ادراک خود از واکنش والدین (پدر یا مادر) به عواطف منفی خود در دوران کودکی به سوالات پاسخ دهد. پاسخ ها به شکل لیکرت از ۱ (به احتمال خیلی کم) تا ۷ (به احتمال خیلی زیاد) در قالب دو زیرمقیاس کلی واکنش حمایت‌گرانه (شامل زیرمقیاس‌های تشویق ابراز، واکنش متمرکز بر هیجان و واکنش متمرکز بر مسئله) و واکنش غیرحمایت‌گرانه (شامل زیرمقیاس‌های واکنش تنبیهی، واکنش کم‌ارزش کردن و واکنش پریشان) نمره‌گذاری می‌شود. برای نمره گذاری پس از اصلاح نمرات معکوس، میانگین نمرات آیتم های مربوط به هر زیرمقیاس محاسبه می شود و بنابراین دامنه نمرات در هر زیرمقیاس از ۱ تا ۷ می باشد. روایی این ابزار، از طریق رابطه زیرمقیاس های آن با علائم اختلال شخصیت مرزی، سرکوبی افکار، پریشانی کلی و ترس از هیجانات، مطلوب گزارش شد (۲۰). در پژوهش حاضر پایایی این ابزار به روش همسانی درونی و بازآزمایی مورد بررسی قرار گرفت. پایایی آزمون باز آزمون (با میانگین فاصله هفت هفته) برای اجتماعی کردن هیجان توسط مادر، در زیرمقیاس های واکنش پریشان ۰/۶۷، واکنش تنبیهی ۰/۸۷، واکنش کم ارزش کردن ۰/۸۰، تشویق ابراز ۰/۴۹، واکنش متمرکز بر هیجان ۰/۷۴ و واکنش متمرکز بر مسئله ۰/۶۹ و برای اجتماعی کردن

هیجان توسط پدر، در زیرمقیاس های واکنش پریشان ۰/۶۴، واکنش تنبیهی ۰/۷۴، واکنش کم ارزش کردن ۰/۷۹، تشویق ابراز ۰/۸۷، واکنش متمرکز بر هیجان ۰/۷۶ و واکنش متمرکز بر مسئله ۰/۷۲ به دست آمد. همچنین ضریب آلفا کرونباخ در این پژوهش برای اجتماعی کردن هیجان توسط پدر، برای زیرمقیاس های واکنش پریشان ۰/۶۴، واکنش تنبیهی ۰/۸۰، واکنش کم ارزش کردن ۰/۷۷، تشویق ابراز ۰/۸۴، واکنش متمرکز بر هیجان ۰/۹۳ و واکنش متمرکز بر مسئله ۰/۸۹ و برای اجتماعی کردن هیجان توسط مادر، برای زیرمقیاس های واکنش پریشان ۰/۶۷، واکنش تنبیهی ۰/۸۲، واکنش کم ارزش کردن ۰/۷۹، تشویق ابراز ۰/۸۴، واکنش متمرکز بر هیجان ۰/۹۰ و واکنش متمرکز بر مسئله ۰/۸۴ به دست آمد.

پرسشنامه تجارب در روابط نزدیک: این ابزار در سال ۱۹۹۸ توسط Brennan, Clark & Shaver، با هدف ارزیابی دلبستگی در روابط نزدیک، از طریق تجزیه و تحلیل مؤلفه های اصلی ۳۲۳ آیتم دلبستگی از ۶۰ ابزار خودگزارشی دلبستگی ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۳۶ سؤال است که به شکل لیکرت هفت درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۷ (کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود و دارای دو زیرمقیاس اضطراب و اجتناب (هر زیر مقیاس ۱۸ سؤال) می‌باشد. برای نمره گذاری این پرسشنامه پس از اصلاح نمرات معکوس، میانگین نمرات آیتم های مربوط به هر بعد محاسبه می شود، به این ترتیب دامنه نمرات برای هر بعد از ۱ تا ۷ به دست می آید. نمرات بالاتر در زیرمقیاس اضطراب نشان دهنده ترس از رها شدن یا احساس نا ائمنی در یک رابطه نزدیک و نمرات بالاتر در زیرمقیاس اجتناب بیانگر راحت نبودن فرد در برقراری رابطه ای نزدیک و صمیمی است. در مطالعه پناغی و همکاران (۲۱)، پایایی این ابزار به روش همسانی درونی و بازآزمایی مورد بررسی قرار گرفت و ضریب آلفای کرونباخ بعد اجتناب ۰/۸۰ و بعد اضطراب ۰/۸۹ محاسبه شدند. همچنین ضریب پایایی آزمون باز آزمون دوهفته‌ای برای بعد اجتناب ۰/۷۱ و اضطراب ۰/۸۹ محاسبه شد. برای بررسی روایی همگرا و واگرایی بعد اضطرابی، مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس و پرسشنامه عزت‌نفس رزنبرگ و برای بررسی روایی واگرایی بعد اجتنابی خرده مقیاس برونگرایی پرسشنامه پنج عاملی نئو مورد استفاده قرار گرفت و روایی همگرا و واگرایی آن تأیید گردید. هم چنین در نمونه ایرانی، شش گویه از ۳۶ گویه این پرسشنامه، پس از چرخش، بار عاملی نگرفتند و به عنوان گویه های نامناسب حذف شدند (۲۱). بنابراین پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش دارای ۳۰ سؤال است که ۱۴ سؤال مربوط به بعد اضطراب و ۱۶ سؤال مربوط به بعد اجتناب می باشد. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای بعد اجتناب ۰/۸۳ و بعد اضطراب ۰/۷۷ محاسبه شد. تجزیه و تحلیل داده ها به کمک نرم افزار SPSS-24 و به روش همبستگی و رگرسیون سلسله مراتبی انجام گرفت.

یافته ها

میانگین (انحراف معیار) سن پدران شرکت‌کننده (۵/۲) ۴۳/۱ بود. از این میان ۴۱/۷٪ دارای فرزند پسر و ۵۸/۳٪ دارای فرزند دختر بودند. از نظر تحصیلات، ۰/۵٪ تحصیلات ابتدایی، ۲/۹٪ سیکل، ۱۸/۴٪ دیپلم، ۸/۳٪ کاردانی، ۱۹/۴٪ کارشناسی، ۱۱/۲٪ کارشناسی ارشد و ۲/۴٪ دکترا داشتند و ۳۶/۹٪ نیز تحصیلات خود را ثبت نکردند. میانگین و انحراف معیار مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱- میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در پدران شرکت کننده

متغیر	(انحراف معیار) میانگین
ادراک واکنش حمایت گرانه پدر	۴/۳ (۱/۲)
ادراک واکنش غیرحمایت گرانه پدر	۳/۴ (۰/۸)
ادراک واکنش حمایت گرانه مادر	۴/۵ (۱)
ادراک واکنش غیرحمایت گرانه مادر	۳/۵ (۰/۸)
واکنش حمایت گرانه به فرزند	۴/۹ (۰/۸)
واکنش غیرحمایت گرانه به فرزند	۳/۱ (۰/۷)
دلبستگی اضطرابی به همسر	۴/۲ (۰/۹)
دلبستگی اجتنابی به همسر	۲/۳ (۰/۸)

ابتدا با آزمون کلموگروف-اسمیرنوف وضعیت متغیرهای پژوهش از نظر نرمال بودن مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد تمام سطوح معناداری در آزمون کلموگروف-اسمیرنوف بزرگتر از ۰/۰۵ است. بنابراین توزیع نمرات متغیرها نرمال است. برای بررسی رابطه ادراک اجتماعی کردن هیجان از سوی والدین (نسل اول) با اجتماعی کردن هیجان فرزند (نسل سوم) در پدران شرکت کننده (نسل دوم)، از روش همبستگی استفاده شد. نتایج نشان داد بین واکنش حمایت‌گرانه به فرزند و ادراک واکنش حمایت‌گرانه پدر ($r=0/48$ و $P<0/01$) و مادر ($r=0/44$ و $P<0/01$) و نیز بین واکنش غیرحمایت‌گرانه به فرزند و ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه پدر ($r=0/49$ و $P<0/01$) و مادر ($r=0/45$ و $P<0/01$) همبستگی مثبت معنادار وجود دارد، یعنی ادراک واکنش حمایت‌گرانه از پدر با میانگین (انحراف معیار) $4/3$ ($1/2$) و نیز ادراک واکنش حمایت‌گرانه از مادر (۱) $4/5$ با افزایش واکنش حمایت‌گرانه به هیجان منفی فرزند $0/8$ ($4/9$) همراه بود ($P<0/01$)، همچنین ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه از پدر $0/8$ ($3/4$) و نیز ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه از مادر $0/8$ ($3/5$) با افزایش واکنش غیرحمایت‌گرانه به هیجان منفی فرزند $0/7$ ($3/1$) همراه بود ($P<0/01$). به منظور درک بهتر رابطه ادراک واکنش حمایت‌گرانه والدین (نسل اول) با واکنش حمایت‌گرانه به فرزند (نسل سوم)، جدول شماره ۲، ارتباط زیرمقیاس‌ها را به صورت جزئی‌تر نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲- ماتریس همبستگی زیرمقیاس‌های ادراک واکنش حمایت‌گرانه از سوی پدر و مادر با زیرمقیاس‌های

واکنش حمایت‌گرانه پدر به فرزند

متغیرها	میانگین	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱- واکنش تشویق ابراز به فرزند	۴(۱)									
۲- واکنش متمرکز بر هیجان به فرزند	۵/۴(۰/۹)	**۰/۳۷۳								
۳- واکنش متمرکز بر مسئله به فرزند	۵/۴(۰/۹)	**۰/۳۸۶	**۰/۷۷۳							
۴- ادراک واکنش تشویق ابراز پدر	۳/۵(۱/۲)	**۰/۶۳۰	**۰/۲۳۶	**۰/۱۸۰						
۵- ادراک واکنش متمرکز بر هیجان پدر	۴/۷(۱/۵)	**۰/۲۱۷	**۰/۴۹۰	**۰/۳۶۷	**۰/۵۶۲	۱				
۶- ادراک واکنش متمرکز بر مسئله پدر	۴/۷(۱/۳)	**۰/۲۱۱	**۰/۴۰۱	**۰/۳۸۵	**۰/۵۵۵	**۰/۱۸۹۲	۱			
۷- ادراک واکنش تشویق ابراز مادر	۳/۶(۱/۲)	**۰/۵۱۶	**۰/۲۲۳	**۰/۱۵۲	**۰/۷۸۲	**۰/۴۶۹	**۰/۴۴۱	۱		
۸- ادراک واکنش متمرکز بر هیجان مادر	۵(۱/۳)	*۰/۱۵۳	**۰/۴۴۹	**۰/۳۷۴	**۰/۴۰۵	**۰/۷۴۶	**۰/۶۸۶	**۰/۵۲۱	۱	
۹- ادراک واکنش متمرکز بر مسئله مادر	۴/۸(۱/۱)	*۰/۱۶۶	**۰/۳۹۶	**۰/۳۸۷	**۰/۴۱۰	**۰/۶۸۱	**۰/۷۲۱	**۰/۵۱۷	**۰/۸۳۶	۱

* همبستگی در سطح معناداری ۰/۰۵

** همبستگی در سطح معناداری ۰/۰۱

همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، تمام زیرمقیاس‌های ادراک واکنش حمایت‌گرانه از سوی پدر و مادر (شامل واکنش‌های تشویق ابراز، متمرکز بر هیجان و متمرکز بر مسئله) با همه زیرمقیاس‌های واکنش حمایت‌گرانه به فرزند (شامل واکنش‌های تشویق ابراز، متمرکز بر هیجان و متمرکز بر مسئله) رابطه مستقیم معنادار دارد. به این معنا که با افزایش ادراک واکنش‌های تشویق ابراز، متمرکز بر هیجان و متمرکز بر مسئله از سوی پدر و مادر، استفاده از این واکنش‌ها در برابر هیجان منفی فرزند افزایش می‌یابد. هم‌چنین واکنش‌های تشویق ابراز، متمرکز بر هیجان و متمرکز بر مسئله به فرزند، به ترتیب با ادراک واکنش تشویق ابراز، متمرکز بر هیجان و متمرکز بر مسئله از سوی پدر و مادر بیشترین همبستگی را دارند. جدول شماره ۳ نیز، رابطه ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه از سوی والدین (نسل اول) با واکنش غیرحمایت‌گرانه به فرزند (نسل سوم) را در سطح زیرمقیاس‌های خردتر نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳- ماتریس همبستگی زیرمقیاس‌های ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه از سوی پدر و مادر با زیرمقیاس‌های

واکنش غیرحمایت‌گرانه پدر به فرزند

متغیرها	میانگین	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱- واکنش پریشان به فرزند	۳(۰/۸)									
۲- واکنش تنبیهی به فرزند	۲/۷(۰/۹)	۰/۶۳۹**								
۳- واکنش کم ارزش کردن به فرزند	۳/۷(۱)	۰/۲۲۰**	۰/۵۴۱**							
۴- ادراک واکنش پریشان پدر	۳/۴(۰/۹)	۰/۴۰۴**	۰/۳۳۰**	۰/۱۵۶*						
۵- ادراک واکنش تنبیهی پدر	۳(۱/۱)	۰/۳۵۱**	۰/۵۲۸**	۰/۳۲۴**	۰/۶۶۱**					
۶- ادراک واکنش کم ارزش کردن پدر	۳/۹(۱)	۰/۰۹۰	۰/۲۴۱**	۰/۴۶۷**	۰/۲۹۳**	۰/۵۶۵**				
۷- ادراک واکنش پریشان مادر	۳/۵(۰/۹)	۰/۳۶۳**	۰/۲۸۸**	۰/۰۷۵	۰/۵۸۶**	۰/۵۳۰**	۰/۲۸۴**			
۸- ادراک واکنش تنبیهی مادر	۳/۱(۱/۱)	۰/۲۷۹**	۰/۴۹۳**	۰/۲۹۴**	۰/۴۸۶**	۰/۷۳۱**	۰/۴۲۴**	۰/۱۶۶**		
۹- ادراک واکنش کم ارزش کردن مادر	۳/۸(۱)	۰/۱۰۵	۰/۲۸۳**	۰/۴۶۱**	۰/۲۵۷**	۰/۵۱۴**	۰/۷۵۴**	۰/۳۴۲**	۰/۵۳۸**	۱

* همبستگی در سطح معناداری ۰/۰۵

** همبستگی در سطح معناداری ۰/۰۱

براساس جدول شماره ۳، با افزایش نمرات ادراک واکنش پریشان و تنبیهی از سوی پدر، نمرات تمامی زیرمقیاس‌های واکنش غیرحمایت‌گرانه به فرزند شامل واکنش پریشان، تنبیهی و کم ارزش کردن، افزایش می‌یابد ولی افزایش نمرات ادراک واکنش کم ارزش کردن از سوی پدر، تنها با افزایش نمرات دو زیرمقیاس واکنش تنبیهی و کم ارزش کردن به فرزند همراه است. هم چنین با افزایش نمرات ادراک واکنش تنبیهی مادر، نمرات همه زیرمقیاس‌های واکنش غیرحمایت‌گرانه به فرزند شامل واکنش پریشان، تنبیهی و کم ارزش کردن، با افزایش نمرات ادراک واکنش پریشان مادر، نمرات دو زیرمقیاس واکنش پریشان و تنبیهی به فرزند و با افزایش نمرات ادراک واکنش کم ارزش کردن مادر، نمرات دو زیرمقیاس واکنش تنبیهی و کم ارزش کردن به فرزند افزایش می‌یابد. به علاوه ادراک واکنش‌های پریشان، تنبیهی و کم ارزش کردن پدر و مادر به ترتیب با واکنش‌های پریشان، تنبیهی و کم ارزش کردن به فرزند بیشترین همبستگی را دارد. برای بررسی نقش تعدیل‌کنندگی دل‌بستگی به همسر در رابطه بین ادراک اجتماعی کردن هیجان از سوی والدین (نسل اول) با اجتماعی کردن هیجان فرزند (نسل سوم)، از نمره استاندارد متغیرها و روش رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده شد. بدین منظور ابتدا تمامی پیش‌فرض‌های رگرسیون شامل حجم مناسب نمونه، عدم وجود مقادیر پرت در متغیرهای مستقل و وابسته، نرمال بودن توزیع متغیرها، عدم وجود هم‌خطی چندگانه، نرمال بودن، خطی بودن و یکسانی پراکندگی باقیمانده‌ها و نیز استقلال خطاها بررسی و تحقق آن‌ها تأیید گردید. سپس جهت اجرای رگرسیون سلسله‌مراتبی، در گام اول زیرمقیاس‌های دوگانه ادراک اجتماعی کردن هیجان از سوی پدر و مادر، در گام دوم دل‌بستگی به همسر و در گام سوم اثر تعامل ادراک اجتماعی کردن هیجان از سوی والدین با دل‌بستگی به همسر وارد معادله شد. نتایج رگرسیون درباره نقش تعدیل‌کننده دل‌بستگی اضطرابی به همسر نشان داد در پیش‌بینی واکنش حمایت‌گرانه به فرزند اثر تعاملی معناداری بین دل‌بستگی اضطرابی به همسر با ادراک واکنش حمایت‌گرانه پدر ($P=0/09$ و $\beta=-0/104$) و مادر ($P=0/75$ و $\beta=-0/020$)، و نیز در پیش‌بینی واکنش غیرحمایت‌گرانه به فرزند اثر تعاملی معنادار بین دل‌بستگی اضطرابی به همسر با ادراک واکنش حمایت‌گرانه پدر ($P=0/583$ و $\beta=-0/037$) و مادر ($P=0/482$ و $\beta=-0/047$) و ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه پدر ($P=0/675$ و $\beta=-0/025$) و مادر ($P=0/200$ و $\beta=-0/079$) وجود ندارد. به علاوه یافته‌های پژوهش نشان داد در پیش‌بینی واکنش حمایت‌گرانه به فرزند اثر تعاملی معنادار بین دل‌بستگی اجتنابی به همسر با ادراک واکنش حمایت‌گرانه پدر ($P=0/423$ و $\beta=-0/049$) و مادر ($P=0/503$ و $\beta=-0/041$) و ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه پدر ($P=0/974$ و $\beta=-0/002$) و مادر ($P=0/971$ و $\beta=0/002$)، هم‌چنین در پیش‌بینی واکنش غیرحمایت‌گرانه به فرزند تأثیر تعاملی معناداری بین دل‌بستگی اجتنابی به همسر با ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه پدر ($P=0/087$ و $\beta=0/105$) و مادر ($P=0/236$ و $\beta=0/074$) وجود ندارد. اثر تعاملی این ۱۲ مورد در جداول شماره ۴ و ۵ مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۴- اثرات تعاملی ادراک اجتماعی کردن هیجان از سوی والدین با دل‌بستگی به همسر در پیش‌بینی واکنش حمایت‌گرانه به فرزند

متغیر	B	S.E	Beta	P	R ²
۱- نمره Z دل‌بستگی اضطرابی به همسر × نمره Z ادراک واکنش حمایت‌گرانه پدر	-۰/۱۰۳	۰/۰۶۱	-۰/۱۰۴	۰/۰۹۱	۰/۲۵۱
۲- نمره Z دل‌بستگی اضطرابی به همسر × نمره Z ادراک واکنش حمایت‌گرانه مادر	-۰/۰۱۹	۰/۰۵۹	-۰/۰۲۰	۰/۷۴۸	۰/۲۰۴
۳- نمره Z دل‌بستگی اجتنابی به همسر × نمره Z ادراک واکنش حمایت‌گرانه پدر	-۰/۰۴۸	۰/۰۶۰	-۰/۰۴۹	۰/۴۲۳	۰/۲۷۲
۴- نمره Z دل‌بستگی اجتنابی به همسر × نمره Z ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه پدر	-۰/۰۰۲	۰/۰۶۵	-۰/۰۰۲	۰/۹۷۴	۰/۰۸۵
۵- نمره Z دل‌بستگی اجتنابی به همسر × نمره Z ادراک واکنش حمایت‌گرانه مادر	-۰/۰۴۳	۰/۰۶۴	-۰/۰۴۱	۰/۵۰۳	۰/۲۴۵
۶- نمره Z دل‌بستگی اجتنابی به همسر × نمره Z ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه مادر	۰/۰۰۲	۰/۰۶۴	۰/۰۰۲	۰/۹۷۱	۰/۰۸۵

متغیر وابسته: نمره Z واکنش حمایت‌گرانه به فرزند

جدول شماره ۵- اثرات تعاملی ادراک اجتماعی کردن هیجان از سوی والدین با دل‌بستگی به همسر در پیش‌بینی واکنش غیرحمایت‌گرانه به فرزند

متغیر	B	S.E	Beta	P	R ²
۱- نمره Z دل‌بستگی اضطرابی به همسر × نمره Z ادراک واکنش حمایت‌گرانه پدر	-۰/۰۳۶	۰/۰۶۶	-۰/۰۳۷	۰/۵۸۳	۰/۱۱۰
۲- نمره Z دل‌بستگی اضطرابی به همسر × نمره Z ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه پدر	-۰/۰۲۶	۰/۰۶۲	-۰/۰۲۵	۰/۶۷۵	۰/۲۹۱
۳- نمره Z دل‌بستگی اضطرابی به همسر × نمره Z ادراک واکنش حمایت‌گرانه مادر	-۰/۰۴۴	۰/۰۶۲	-۰/۰۴۷	۰/۴۸۲	۰/۱۱۳
۴- نمره Z دل‌بستگی اضطرابی به همسر × نمره Z ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه مادر	-۰/۰۸۴	۰/۰۶۵	-۰/۰۷۹	۰/۲۰۰	۰/۲۴۵
۵- نمره Z دل‌بستگی اجتنابی به همسر × نمره Z ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه پدر	۰/۱۰۱	۰/۰۵۹	۰/۱۰۵	۰/۰۸۷	۰/۲۶۴
۶- نمره Z دل‌بستگی اجتنابی به همسر × نمره Z ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه مادر	۰/۰۷۰	۰/۰۵۹	۰/۰۷۴	۰/۲۳۶	۰/۲۱۷

متغیر وابسته: نمره Z واکنش غیرحمایت‌گرانه به فرزند

بنابراین در هیچ‌کدام از ۱۲ حالت بررسی شده، دل‌بستگی اضطرابی یا اجتنابی به همسر نتوانست در رابطه بین ادراک اجتماعی کردن هیجان از سوی والدین (نسل اول) با اجتماعی کردن هیجان فرزند (نسل سوم) نقش تعدیل‌کننده ایفا کند و چهار حالت باقیمانده نیز به دلیل عدم وجود همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته، وارد معادله رگرسیون نشدند.

بحث

افزایش ادراک واکنش حمایت‌گرانه از پدر با میانگین (انحراف معیار) $4/3$ ($1/2$) و نیز افزایش ادراک واکنش حمایت‌گرانه از مادر با میانگین (انحراف معیار) $4/5$ (1) با افزایش واکنش حمایت‌گرانه پدران به هیجان منفی فرزند با میانگین (انحراف معیار) $4/9$ ($0/8$) همراه بود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین که نشان داده در پدران، ادراک مثبت از والدگری والدین (نسل اول) با والدگری مثبت فرد (نسل دوم) مرتبط است- همسوست. مثلا Hofferth و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند پدرانی که ادراک مثبتی از والدگری پدر خود در کودکی داشتند، نسبت به فرزندشان محبت کلامی و فیزیکی بیشتری گزارش کردند (۲۲). Madsen و همکاران نیز نشان دادند پدرانی که تصویری دلسوزانه و نزدیک از رابطه مراقبتی با مادر خود داشتند، توانستند وضعیت ذهنی نوزاد خود را منعکس کنند (۲۳). در تبیین این یافته بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی می‌توان گفت پدرانی که در کودکی از والدین خود واکنش حمایت‌گرانه بیشتری در پاسخ به هیجانات منفی خود دیده‌اند، یاد گرفته‌اند که در برابر هیجانات منفی از شیوه‌های حمایت‌گرانه شامل ابراز هیجان، پاسخ متمرکز بر هیجان و پاسخ متمرکز بر مسئله استفاده کنند و به عبارتی طبق نظریه Vygotsky (۲۴) از طریق تعاملات و گفتگوهای هیجانی خود با والدین، این رفتارها را به خزانه رفتاری خود وارد کرده‌اند. بنابراین این افراد زمانی که خود والد می‌شوند، در رابطه با

فرزند خود نیز از این واکنش‌ها بیشتر استفاده می‌کنند. علاوه بر این، ادراک پاسخ حمایت‌گرانه والدین به هیجان‌ات منفی کودک با سطوح بالا تر مهارت‌های تنظیم هیجانی و استفاده بیشتر از راهبردهای سازگارانه برای تنظیم هیجان‌ات در بزرگسالی مرتبط است (۲۵). توانایی تنظیم هیجان‌ات والدین نیز با واکنش حمایت‌گرانه به هیجان‌ات فرزند ارتباط دارد (۲۶). بنابراین اجتماعی کردن حمایت‌گرانه هیجان از طریق تأثیر آن بر تنظیم هیجان‌ات و نیز تأثیر تنظیم هیجان‌ات بر واکنش حمایت‌گرانه به نسل بعد منتقل می‌شود. هم‌چنین با توجه به نتایج مطالعه حاضر مشخص شد افزایش ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه از پدر با میانگین (انحراف معیار) $(0/8)$ و $3/4$ و نیز افزایش ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه از مادر با میانگین (انحراف معیار) $(0/8)$ و $3/5$ با افزایش واکنش غیرحمایت‌گرانه پدران به هیجان منفی فرزند با میانگین (انحراف معیار) $(0/7)$ همراه بود. در این راستا، نتایج پژوهش Yan و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد ادراک منفی از والدگری والدین (نسل اول) با دشواری تنظیم هیجان در پدران و در نتیجه با پاسخ‌های غیرحمایت‌گرانه به هیجان‌ات منفی فرزند مرتبط است (۴). در پژوهش McFarland-Piazza و همکاران (۲۰۱۲) نیز تجربه فشار از سوی والدین برای رسیدن به موفقیت در کودکی با ابراز عواطف منفی بیشتر به نوزاد، عدم توجه به نیازهای هیجانی او و عدم پاسخگویی سریع و مناسب به نوزاد، هنگام والد شدن، مرتبط بود (۲۷). Lee و همکاران (۲۰۱۸) نیز با انجام پژوهشی دریافتند زمانی که پدر و مادر (نسل دوم) نحوه والدگری والدین خود (نسل اول) را بیش از حد مراقبت‌کننده می‌دانستند، فرزندان (نسل سوم) آن‌ها نیز والدین خود (نسل دوم) را بیشتر کنترل‌کننده دانسته و علائم درونی سازی بیشتری نشان دادند (۱۳). این یافته پژوهشی را می‌توان از طریق مکانیزم یادگیری و نظریه Vygotsky (۲۴) تبیین کرد. به این معنا که وقتی والدین (نسل اول) در برابر هیجان‌ات منفی کودک واکنش غیرحمایت‌گرانه نشان می‌دهند، کودک آن واکنش‌ها را به عنوان پاسخی در برابر هیجان‌ات منفی یاد گرفته و به خزانه رفتاری خود وارد می‌کند. همان‌طور که نتایج پژوهش Bariola و همکاران (۲۸) نشان داد استفاده مادر از راهبرد سرکوب ابراز یا تجربه هیجان، استفاده کودک از این راهبرد را پیش‌بینی می‌کند. بنابراین زمانی که کودک، خود به دوران والدگری رسید (نسل دوم)، از همان واکنش‌های آموخته شده در برابر هیجان‌ات منفی فرزندش استفاده می‌کند. به علاوه افرادی که در کودکی نیازهای هیجان‌ایشان تأمین نشده، توانایی کمتری در شناسایی هیجان‌ات فرزند خود داشته و بیشتر احتمال دارد به هیجان‌ات منفی فرزند خود پاسخ غیرحمایت‌گرانه دهند (۲۹). از سوی دیگر تجربه پاسخ غیرحمایت‌گرانه والدین به هیجان‌ات منفی کودک با سطوح پایین تر مهارت‌های تنظیم هیجانی و استفاده بیشتر از راهبردهای ناسازگارانه برای تنظیم هیجان‌ات در بزرگسالی مرتبط است (۲۵). بنابراین این افراد زمانی که به دوران والدگری برسند به دلیل مشکل در تنظیم هیجان خود، واکنش غیرحمایت‌گرانه بیشتری نشان می‌دهند (۲۶).

یکی از یافته‌های پژوهش، عدم همبستگی ادراک واکنش کم ارزش کردن پدر و مادر با واکنش پریشان به فرزند، هم‌چنین عدم همبستگی ادراک واکنش پریشان مادر با واکنش کم ارزش کردن به فرزند است. به علاوه ادراک واکنش پریشان پدر نیز تنها در سطح $0/05$ با واکنش کم ارزش کردن به فرزند همبستگی معنادار نشان داده در حالی که سایر زیرمقیاس‌ها در سطح $0/01$ با یکدیگر همبستگی معنادار دارند که این نشان دهنده همبستگی ضعیف تر این دو زیرمقیاس با هم می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت واکنش کم ارزش کردن، بها ندادن به هیجان و سرکوب تجربه هیجانی منفی را تشویق می‌کند اما در واکنش پریشان فرد به هیجان‌ات منفی خود اهمیت می‌دهد و آن‌ها را به صورت شدید تجربه می‌کند. شاید به همین دلیل فردی که کم ارزش کردن هیجان منفی را در تعامل با والدین خود آموخته در واکنش به هیجان‌ات منفی فرزند نیز از واکنش پریشان استفاده نمی‌کند و کسی که واکنش پریشان را از والدین یاد گرفته کمتر احتمال دارد از واکنش کم ارزش کردن در برابر هیجان منفی فرزندش استفاده کند.

دیگر یافته این مطالعه که نشان می‌دهد دل‌بستگی اضطرابی یا اجتنابی به همسر در رابطه ادراک اجتماعی کردن هیجان از سوی والدین و اجتماعی کردن هیجان فرزند در پدران نقش تعدیل‌کننده ندارد، با نتایج پژوهش Magai و همکاران (۲۰۰۴) همسو نیست. آن‌ها در پژوهش خود دریافتند دل‌بستگی اضطرابی بزرگسالی (دل‌بستگی در روابط نزدیک) نیمی از رابطه بین ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه مادر با ویژگی‌های هیجانی در بزرگسالی، و دل‌بستگی اجتنابی بخشی از تأثیر ادراک واکنش

حمایت‌گرانه مادر بر ویژگی‌های هیجانی در بزرگسالی را میانجی‌گری می‌کنند (۱۴). شاید دلیل این تفاوت در نتایج را بتوان ارتباط قوی تر اجتماعی کردن هیجان فرزند با ادراک اجتماعی کردن هیجان توسط والدین به دلیل انتقال بین نسلی شیوه‌های والدگری دانست که سبب می‌شود دلبستگی اضطرابی یا اجتنابی با وجود داشتن همبستگی با اجتماعی کردن هیجان فرزند، نتواند در این رابطه نقش تعدیل‌کننده ایفا کند. در واقع به نظر می‌رسد رابطه میان والد و فرزند بیشتر از رابطه والدین با خانواده اصلی تأثیر می‌گیرد تا رابطه با همسر. از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به استفاده از پرسشنامه خودگزارشی و در نتیجه احتمال سوگیری پاسخ‌ها، عدم توجه به جنسیت فرزند، تمرکز بر پدران ساکن شهر تهران و بنابراین عدم امکان تعمیم نتایج به مادران و سایر فرهنگ‌ها اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی از روش‌های مشاهده‌ای استفاده گردد، جنسیت فرزند مورد توجه قرارگیرد و پژوهش روی مادران و سایر اقوام فرهنگی کشور تکرار شود تا امکان مقایسه فراهم گردد.

نتیجه‌گیری

مطالعه نشان داد ادراک واکنش حمایت‌گرانه والدین در پدران با افزایش واکنش حمایت‌گرانه به هیجان‌ات منفی فرزند و ادراک واکنش غیرحمایت‌گرانه والدین در پدران با افزایش واکنش غیرحمایت‌گرانه به فرزند همراه بود. هم‌چنین دلبستگی اضطرابی و اجتنابی به همسر در رابطه میان ادراک اجتماعی کردن هیجان از سوی والدین و اجتماعی کردن هیجان فرزند در پدران نقش تعدیل‌کننده نداشت.

تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش و نیز سرکار خانم دکتر لیلی پناغی که در پیشبرد این پژوهش صمیمانه همکاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌گردد. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در رشته روان‌شناسی بالینی خانواده و دارای نامه تأییدیه اخلاقی به شماره ۸۵۰/۴۱/ص از پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد.

تعارض در منافع

نویسندگان اظهار می‌دارند هیچ گونه تعارض منافی در مورد این مقاله وجود ندارد.

REFERENCES

1. Teo BH, Raval VV, Jansari A. Emerging adults' reports of maternal emotion socialization and their adjustment across cultures. *Journal of Applied Developmental Psychology*. 2017;52:59-68.
2. Hastings PD. The socialization of emotion by parents: Following Saarni's legacy. *European Journal of Developmental Psychology*. 2018;15(6):694-710.
3. Wang M, Liang Y, Zhou N, Zou H. Chinese fathers' emotion socialization profiles and adolescents' emotion regulation. *Personality and Individual Differences*. 2019;137:33-38.
4. Yan J, Han ZR, Li P. Intergenerational transmission of perceived bonding styles and paternal emotion socialization: Mediation through paternal emotion dysregulation. *Journal of Child and Family Studies*. 2016;25(1):165-175.
5. Mirabile SP. Parents' inconsistent emotion socialization and children's socioemotional adjustment. *Journal of Applied Developmental Psychology*. 2014;35(5):392-400.
6. Sanders W, Zeman J, Poon J, Miller R. Child regulation of negative emotions and depressive symptoms: The moderating role of parental emotion socialization. *Journal of Child and Family Studies*. 2015;24(2):402-415.
7. Rogers ML, Halberstadt AG, Castro VL, MacCormack JK, Garrett-Peters P. Maternal emotion socialization differentially predicts third-grade children's emotion regulation and lability. *Emotion*. 2016;16(2):280-291.
8. Hastings PD, Grady JS, Barrieau LE. Children's anxious characteristics predict how their parents socialize emotions. *Journal of abnormal child psychology*. 2019;47(7):1225-1238.
9. Miller-Slough RL, Dunsmore JC, Zeman JL, Sanders WM, Poon JA. Maternal and paternal reactions to child sadness predict children's psychosocial outcomes: A family-centered approach. *Social Development*. 2018;27(3):495-509.
10. Johnson AM, Hawes DJ, Eisenberg N, Kohlhoff J, Dudeney J. Emotion socialization and child conduct problems: A comprehensive review and meta-analysis. *Clinical Psychology Review*. 2017;54:65-80.

11. Bowlby J. Attachment and loss; 1969.
12. Chen Zy, Kaplan HB. Intergenerational transmission of constructive parenting. *Journal of Marriage and Family*. 2001;63(1):17-31.
13. Lee Y-E, Brophy-Herb HE. Dyadic relations between interparental conflict and parental emotion socialization. *Journal of Family Issues*. 2018;39(13):1-22.
14. Magai C, Consedine N, Gillespie M, O'Neal C, Vilker R. The differential roles of early emotion socialization and adult attachment in adult emotional experience: Testing a mediator hypothesis. *Attachment & Human Development*. 2004;6(4):389-417.
15. Brand AE, Klimes-Dougan B. Emotion socialization in adolescence: The roles of mothers and fathers. *New directions for child and adolescent development*. 2010;2010(128):85-100.
16. Trumbell JM, Hibbel LC, Mercado E, Posada G. The impact of marital withdrawal and secure base script knowledge on mothers' and fathers' parenting. *Journal of Family Psychology*. 2018;32(6):699-709.
17. Elam KK, Chassin L, Eisenberg N, Spinrad TL. Marital stress and children's externalizing behavior as predictors of mothers' and fathers' parenting. *Development and Psychopathology*. 2017;29(4):1305-1318.
18. Lugo-Candelas CI, Harvey EA, Breaux RP. Emotion socialization practices in Latina and European-American mothers of preschoolers with behavior problems. *Journal of Family Studies*. 2015;21(2):144-162.
19. Fabes R, Poulin RE, Eisenberg N, Madden-Derdich DA. The Coping with Children's Negative Emotions Scale (CCNES): Psychometric properties and relations with children's emotional competence. *Marriage and Family Review*. 2002;34(3-4):285-310.
20. Sauer SE, Baer RA. Validation of measures of biosocial precursors to borderline personality disorder: Childhood emotional vulnerability and environmental invalidation. *Assessment*. 2010;17(4):454-466.
21. Panaghi L, Maleki G, Zabihzadeh A, Poshtmashhadi M, Soltaninezhad Z. Validity, Reliability, and Factor Analysis of Experiences in Close Relationship (ECR) Scale. *Iranian journal of psychiatry and clinical psychology*. 2014;19(4):305-13.
22. Hofferth SL, Pleck JH, Vesely CK. The transmission of parenting from fathers to sons. *Parenting*. 2012;12(4):282-305.
23. Madsen SA, Lind D, Munck H. Men's abilities to reflect their infants' states of mind. *Nordic Psychology*. 2007;59(2):149-163.
24. Vygotsky L. Interaction between learning and development. *Readings on the development of children*. 1978;23(3):34-41.
25. Cabecinha-Alati S, O'Hara G, Kennedy H, Montreuil T. Parental Emotion Socialization and Adult Outcomes: The Relationships Between Parental Supportiveness, Emotion Regulation, and Trait Anxiety. *Journal of Adult Development*. 2019:1-13.
26. Havighurst S, Kehoe C. The role of parental emotion regulation in parent emotion socialization: Implications for intervention. *Parental stress and early child development: Springer; 2017*. p. 285-307.
27. McFarland-Piazza L, Hazen N, Jacobvitz D, Boyd-Soisson E. The development of father-child attachment: Associations between adult attachment representations, recollections of childhood experiences and caregiving. *Early Child Development and Care*. 2012;182(6):701-721.
28. Bariola E, Hughes EK, Gullone E. Relationships between parent and child emotion regulation strategy use: A brief report. *Journal of Child and Family Studies*. 2012;21(3):443-448.
29. Leerkes EM, Siepak KJ. Attachment linked predictors of women's emotional and cognitive responses to infant distress. *Attachment & Human Development*. 2006;8(01):11-32